

عصر انقلاب

اروپا در ۱۷۸۹-۱۸۴۸

اریک جان هابسبام

ترجمه‌ی علی اکبر مهدیان و اشکان صالحی



نشر اختران

سرشناسه	: هوبزبام، اریک جان، ۱۹۱۷-۲۰۱۲ م. Hobsbawm, Eric John
عنوان و نام پدیدآور	: عصر انقلاب: اروپا ۱۸۴۸-۱۷۸۹ / اریک هابسبام؛ ترجمه‌ی علی اکبر مهدیان.
مشخصات نشر	: اختران، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۰ ص. مصور. ۲۳/۵ x ۱۶/۵
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۵۷-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	: عنوان اصلی: The age of revelation: Europe 1789-1848
موضوع	: اروپا ۱۸۴۸-۱۷۸۹
موضوع	: انقلاب صنعتی
موضوع	: اروپا -- تاریخ -- ۱۷۸۹ - ۱۹۰۰ م.
شناسه افزوده	: مهدیان، علی اکبر، ۱۳۱۵ - مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ع ۹۹ / D ۲۹۹
رده‌بندی دیویی	: ۹۴۰ / ۳۷
شماره کتابخانه ملی	: ۳۰۱۰۲ - ۸۲ م



نشر اختران

عصر انقلاب: اروپا در ۱۷۸۹-۱۸۴۸

نویسنده: اریک هابسبام

مترجم: علی اکبر مهدیان

ویراستار: اشکان صالحی

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ اول ۱۳۹۷

شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: بهمن -- صحافی سیدین

کارگر جنوبی، روانمهر، پ ۱۵۲، ط ۱، تلفن: ۰۶۶۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran فروشگاه: ۶۶۴۱۱۴۲۹
www.instagram.com.akhtaranpub www.akhtaranbook.ir info@akhtaranbook.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۵۷-۲

همه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۵۶۰۰۰ تومان

توضیحی درباره‌ی ترجمه

از این کتاب ترجمه‌ای وجود دارد که سال‌ها پیش آقای علی اکبر مهدیان انجام داده‌اند. ابتدا بنابر سفارش نشر اختران قرار بود ترجمه‌ی مذکور با متن انگلیسی کتاب مقابله و ویرایش شود. اما پس از بررسی اولیه معلوم شد به ترجمه‌ای مجدد نیاز است. از همین‌رو کار بازترجمه را به درخواست ناشر شروع کردم و البته بخش‌هایی قابل قبول از ترجمه‌ی پیشین را نگه داشتم. متن فارسی حاصله را افشین جهان‌دیده ویرایش کرد و در مواردی که ابهامی وجود داشت با ترجمه‌ی فرانسوی کتاب مطابقت داد. آنچه پیش رو است درکل ماحصل روندی است که شرح دادم. بر خود واجب می‌دانم از آقای سعید اردهالی برای حمایت بردبارانه و نیز از افشین جهان‌دیده برای یاری مداومش تشکر کنم.

اشکان صالحی

مهر ۱۳۹۶

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۱۵
مقدمه.....	۱۷
پاره‌ی اول: تحولات	
فصل یکم: جهان در دهه‌ی ۱۷۸۰.....	۲۳
فصل دوم: انقلاب صنعتی.....	۴۷
فصل سوم: انقلاب فرانسه.....	۷۷
فصل چهارم: جنگ.....	۱۰۵
فصل پنجم: صلح.....	۱۳۱
فصل ششم: انقلاب‌ها.....	۱۴۳
فصل هفتم: ملی‌گرایی.....	۱۶۹
پاره‌ی دوم: نتایج	
فصل هشتم: زمین.....	۲۵۱
فصل نهم: به‌سوی جهانی صنعتی.....	۲۷۳
فصل دهم: گشودگی مشاغل به‌روی استعدادها.....	۲۹۱
فصل یازدهم: فقرای زحمتکش.....	۳۱۳
فصل دوازدهم: ایدئولوژی دینی.....	۳۳۳
فصل سیزدهم: ایدئولوژی سکولار.....	۳۵۳
فصل چهاردهم: هنر.....	۳۷۵
فصل پانزدهم: علم.....	۴۰۳
فصل شانزدهم: نتیجه‌گیری: به‌سوی ۱۸۴۸.....	۴۲۵
نقشه‌ها.....	۴۳۹
پی‌نوشت‌ها.....	۴۵۱
نمایه.....	۴۶۱

فهرست تصاویر

۱. لوئی شانزدهم پادشاه فرانسه، ژ.س. دوپلیسی، گالری ماری آنتوانت، ورسای (عکس ژیرودوم)
۲. درشکه، استابز، گالری ملی، لندن (عکس: گالری ملی)
۳. شکار خرگوش، فرانتس کروگر (۱۸۰۷-۱۸۵۷)، گالری گمالد، دسانو (عکس: ماربورگ)
۴. پرنس آگوستوس اهل پروس، گالری ملی، برلین (عکس: ماربورگ)
۵. خانواده‌ی فلاکر، (اسپانیا) (عکس: کاستلیانون، مادرید)
۶. دانشگاهی آلمانی پروفیسور کلاسن و خانواده‌اش، ی. میلده، هامبورگ (عکس: ماربورگ)
۷. خانواده‌ی استامارتی، طراحی انگر (۱۸۱۸)، لوور، پاریس (عکس: مجموعه مانسل)
۸. خودنگاره‌ی هنرمند آلمانی کارل بلیشر (۱۸۳۶)، گالری ملی، برلین (عکس: مجموعه ماربورگ)
۹. دانشجویان وینی در اتاق نگهداری تالار دانشگاه وین ۱۸۴۸، فرانتس شامس، موزه تاریخ ملی، وین (عکس: بایگانی عکس کتابخانه ملی اتریش)
۱۰. منظره‌ای از بورس سلطنتی، اثر ریچارد دایتون (عکس: رادیو تایمز، خانه‌ی فیلم هولتون)
۱۱. کنفرانس، اونوره دومیه (۱۸۰۸-۱۸۷۹) (عکس: ماربورگ)
۱۲. قیام دهقانی در موراویا (عکس: ماربورگ)
۱۳. کارگر کشاورز، س.ه. گرن، موزه بریتانیا (عکس: موزه بریتانیا)
۱۴. بدرفتاری تاتارها با دهقانان روسی، از یک چاپ اوایل قرن نوزدهم (عکس: رادیو تایمز، خانه‌ی فیلم هولتون)
۱۵. دو دهقان روس (۱۸۲۳) (عکس: رادیو تایمز، خانه‌ی فیلم هولتون)
۱۶. صنعتکاران فولاد شفیلد، م. جکسون (عکس: مجموعه مانسل)
۱۷. بار عام سلطان هادسون (ارباب راه‌آهن)، پانچ (عکس: موزه بریتانیا)
۱۸. بندرگاه و کارخانه‌ها، ا. پرایور (عکس: مجموعه مانسل)
۱۹. سرای کاخ کارلتون (عکس: گالری پارکر)
۲۰. خیابان چرچ لین، سنت جایلز، لندن (عکس: رادیو تایمز، خانه‌ی فیلم هولتون)

۲۱. فضای داخلی به سبک بیدرمایر، لوبک، اتریش (عکس: ماربورگ)
۲۲. منطقه‌ی سنت جایلز: تجمع‌گاه معروف (عکس: رادیو تایمز، خانه‌ی فیلم هولتون)
۲۳. طراحی‌هایی از معادن زغال‌سنگ در نورتامبرلند و دورهام، جی. اچ. هریس (عکس: موزه علوم)
۲۴. صحنه‌ای در باغ‌های کنزینگتون با آدم‌های مدپرست و عجیب و غریب (۱۸۲۹)، جورج کروکشانک (عکس: مجموعه مانسل)
۲۵. رژه‌ی نظامی، گ.ا. شرادر (نقاشی شده ۱۸۱۱-۱۸۳۶)، گالری ملی برلین (عکس: ماربورگ)
۲۶. نمای بیرونی عبادتگاه پیروان وسلی در سیتی‌رود لندن (عکس: مجموعه مانسل)
۲۷. فضای داخلی عبادتگاه، ایلفورد بزرگ، اسکس (عکس: مجموعه مانسل)
۲۸. کلیسای اسحاق قدیس در لنینگراد (سن‌پترزبورگ) (عکس: مجموعه مانسل)
۲۹. تصرف باستیل، پریور، لوور، پاریس (عکس: ژیردون)
۳۰. حمل‌ونقل وسایل نظامی به مونمارتر، پریور، لوور، پاریس (عکس: ژیردون)
۳۱. ورود مردم به کاخ سلطنتی تویلری، پریور، لوور، پاریس (عکس: ژیردون)
۳۲. رژه‌ی مارس‌ی و نت مارش مارسیز (عکس: بایگانی هنر و تاریخ، برلین)
۳۳. نمونه‌ای از گیوتین، موزه کارناواله، پاریس (عکس: بولو)
۳۴. ملکه ماری آنتوانت، در راه اعدام، طراحی ژاکوبن ژاک لوئی داوید (عکس: مجموعه مانسل)
۳۵. روبسپیر، موزه بالوت (عکس: مجموعه مانسل)
۳۶. ژان پل مارا، موزه بالوت (عکس: مجموعه مانسل)
۳۷. ژرژ ژاک دانتون، موزه بالوت (عکس: مجموعه مانسل)
۳۸. لوئی آنتوان لئون فلورل دو سن ژوست، موزه کندر (عکس: مجموعه مانسل)
۳۹. اونوره گابریل ریکتی، کُنت دو میرابو، موزه کندر (عکس: مجموعه مانسل)
۴۰. مرگ ژنرال مارسو، کنده‌کاری آیکلر از روی ژیراد (عکس: بایگانی هنر و تاریخ، برلین)
۴۱. لوحه‌ی ۲ از بلایای جنگ، اثر گویا (عکس: انجمن اسپانیایی‌های آمریکا)
۴۲. سواران زره‌دار فرانسوی در حال حمله در نبرد مسکو، آلبرخت آدام، موزه‌ی مونیخ (عکس: ماربورگ)
۴۳. ناپلئون بناپارت کنسول اول، ژ.ل. داوید (عکس: مجموعه مانسل)
۴۴. اعلام استقلال ونزوئلا در کاراکاس (۱۸۲۱) (عکس: مرکز سمعی بصری کاراکاس)
۴۵. وداع لهستانی‌ها با وطن‌شان، ۱۸۳۱، دیتربش مونتون (۱۷۹۹-۱۸۴۳)، گالری ملی برلین (عکس: ماربورگ)
۴۶. کشتی نیمیس در دهانه‌ی آنسونز (عکس: گالری پارکر)

۴۷. محمدعلی حاکم مصر (عکس: مجموعه مانسل)
۴۸. جوزپه ماتسینی در ۲۵ سالگی، ج. ایزولا، مؤسسه ماتسینیانو (عکس: د. چیپریانی)
۴۹. تومن لوورتور (عکس: مجموعه مانسل)
۵۰. مردم در حال سوزاندن تخت سلطنت در پای ستون ژوئی (۱۸۴۸) (عکس: مجموعه مانسل)
۵۱. مرد مسلح مردمی، موزه تاریخ ملی وین (عکس: بایگانی عکس کتابخانه ملی اتریش)
۵۲. گارد سیار (عکس: اخبار مصور لندن)
۵۳. سنگر، دلاکروا (۱۷۸۹-۱۸۶۳)، لوور، پاریس (عکس: مجموعه مانسل)
۵۴. ایستگاه راه آهن یوستون، جورج استیونسون (عکس: مجموعه مانسل)
۵۵. پل معلق کلیفتون، ایزامبارد کینگدم برنل (عکس: ثبت بناهای ملی)
۵۶. نمای موزهی بریتانیا در لندن (۱۸۴۲-۱۸۴۷) (عکس: ثبت بناهای ملی)
۵۷. تصویر دفن خاکستر ناپلئون در طاق نصرت پاریس، ۱۵ دسامبر ۱۸۴۰، چاپ سنگی توسط آدام از روی پیشبوا (عکس: ماربورگ)
۵۸. یک کیک در هیئت کوشکی ایتالیایی، بریلا ساوورن (عکس: راهنمای خوراکی‌ها)
۵۹. دستگیری توطئه‌گران خیابان کاتو (۱۸۱۹) (عکس: مجموعه مانسل).
۶۰. منظره‌ی میدان سن پیترو و طرز پراکندن میتینگ اصلاحات منچستر با نیروی نظامی و غیرنظامی، ۱۶ اوت ۱۸۱۹، اخبار مصور لندن (عکس: کتابخانه جان ریلاندرز)
۶۱. زندگی، محاکمه، اعتراف، و اعدام جنایتکار معروف ت. ه. هوکر (عکس: مجموعه مانسل)
۶۲. پناهگاه فقرا (عکس: مجموعه مانسل)
۶۳. تشییع جنازه در اسکیرین ایرلند، ۱۸۴۷ (عکس: مجموعه مانسل)
۶۴. هم‌زنجیران در شهر هوبارت، ۱۸۵۶ (عکس: مجموعه مانسل)
۶۵. بنای یادبود والتر اسکات در ادینبورگ (عکس: تونی اسکات)
۶۶. یک کنده‌کاری آن زمان از بورس، پاریس (عکس: مجموعه مانسل)
۶۷. فانی السلر (عکس با لطف مرکوری تیاتر، ناتینگ هیل گیت)
۶۸. مادام رکامیه‌ی ژاک لونی داوید، لوور، پاریس (عکس: مجموعه مانسل)
۶۹. «مالی درازپا» در دست سوارکارش، جورج استابز (عکس: مجموعه مانسل)
۷۰. اسب نر وحشی، اوژن دلاکروا، گالری هنر بوداپست (عکس: موزه هنرهای زیبا، بوداپست)
۷۱. بولوار اوتتر دن لیندن، ادوارد گایرلتر (۱۸۰۱-۱۸۷۷)، گالری مالی، برلین (عکس: ماربورگ)

۷۲. صحنه‌ی مهیاشده برای نخستین اجرای اپرای اتللو اثر روسینی، طراحی فریدریش شینکل (۱۷۸۱-۱۸۴۱) برای اپراخانه‌ی برلین، ۱۸۴۷ (عکس: بایگانی هنر و تاریخ، برلین)

۷۳. منظره‌ای به قلم کاسپار داوید فریدریش (عکس: ماربورگ)

۷۴. طلوع ماه در دریا، کاسپار داوید فریدریش، گالری ملی برلین (عکس: ماربورگ)

۷۵. کارخانه‌ی آقایان سوینسون، پرلی و شرکا، ج. تینگل (عکس: مجموعه مانسل)

۷۶. آهن‌کاری، جوزف رایت، مجموعه کنتس مونبتاتن فقید، آکادمی سلطنتی هنر، لندن (عکس: آکادمی سلطنتی هنر)

۷۷. بازار بردگان اثر اوراس ورنه (۱۸۳۶) (عکس: ماربورگ)

۷۸. دو افسر اروپایی در مجلس رقصی در خانه‌ای در هند سرگرم می‌شوند، حدود ۱۸۰۰ (عکس: وزارت مناسبات مشترک‌المنافع)

۷۹. زنان الجزایری در یک حرمسرا، دلاکروا (۱۸۳۴)، لوور، پاریس (عکس: مجموعه مانسل)

۸۰. اختراع جورج استیونسون با عنوان راکت (عکس: موزه علوم)

۸۱. نمونه‌ای از کشتی بخار به نام کشتی بخار چرخ‌پره‌ای بریتانیا (عکس: موزه علوم)

۸۲. چراغ نفتی آرگان و چراغ شیمیایی آرگان

۸۳. نخستین خیابان روشن شده با گاز، پیاده‌رو کاخ کالتون، پال‌مال، ۱۸۰۹ (عکس: مجموعه مانسل)

۸۴. تابلوی پالایش در تأسیسات بزرگ گاز بریک‌لین، ۱۸۳۰ (عکس: موزه بریتانیا)

۸۵. تونل تیمز (۱۸۲۵-۱۸۴۳)، ایزامبارد کینگدم بروئل (عکس: مجموعه مانسل)

۸۶. نخلستان واقع در باغ‌های گیاه‌شناسی در کیو، دسیموس برتون (عکس: سر جان سمرسن)

۸۷. نمای فروشگاه مسس پرست کوتاه‌زمانی پس از افتتاح آن (عکس: رادیو تایمز، گنجینه عکس هولتون)

۸۸. دلیجان پُستی برایتون در مقابل دفترش در لندن، ۱۸۱۴ (عکس: مجموعه مانسل)

۸۹. افتتاح راه‌آهن ایتالیا از ناپل تا پورتیچی، سالواتور فرگولا، موزه ملی سن مارتینو (عکس: گالری ملی سِپرینتندِنرا، ناپل)

۹۰. روش استفاده از کودکان در معادن زغال‌سنگ، تصاویر کمیسیون سلطنتی در ۱۸۴۲ در مورد کار کودکان (در معادن) (عکس: مجموعه مانسل)

۹۱. وسیله‌ی بیرون آوردن کودکان کارگر از معادن زغال‌سنگ، کمیسیون سلطنتی در مورد کار کودکان (در معادن) ۱۸۴۲ (عکس: مجموعه مانسل)

۹۲. ماشین تراش ویت‌وورت (۱۸۴۲). و نمونه‌ای از یک دستگاه پارچه‌بافی معمولی (در حدود ۱۸۵۰)
۹۳. مایکل فارادی در حال سخنرانی در انستیتوی سلطنتی، ۱۸۴۶ (عکس: کرون کپی‌رایت)
۹۴. کره‌ی زمین و قفسه‌ی سنگ‌های معدنی گوته‌ی شاعر (عکس: پژوهش‌های ملی: و یادواره‌های وایمار).
۹۵. الکساندر فون هومبولت (عکس: مجموعه مانسل)
۹۶. الکساندر سرگیویچ پوشکین (عکس: مجموعه مانسل)
۹۷. لودویگ فون بتهوون (عکس: رادیو تایمز، خانه‌ی فیلم هولتون)
۹۸. یوهان ولفگانگ فون گوته (عکس: مجموعه ماربورگ)
۹۹. گئورگ ویلهلم فریدریش هگل (عکس: مجموعه ماربورگ)
۱۰۰. خودنگاره‌ی نقاش اسپانیایی فرانسیسکو گویا نی لوسینتس (عکس: مجموعه مانسل)
۱۰۱. چارلز دیکنز (عکس: مجموعه ماربورگ)
۱۰۲. اونوره دو بالزاک (عکس: مجموعه ماربورگ)

فهرست نقشه‌ها

۴۳۹.....	اروپا در ۱۷۸۹.....	۱
۴۴۰.....	اروپا در ۱۸۱۰.....	۲
۴۴۱.....	اروپا در ۱۸۴۰.....	۳
۴۴۲.....	جمعیت جهان در شهرهای بزرگ: ۱۸۵۰-۱۸۰۰.....	۴
۴۴۴.....	فرهنگ غربی ۱۸۱۵-۱۸۴۹: اپرا.....	۵
۴۴۶.....	کشورهای اروپا در ۱۸۳۶.....	۶
۴۴۷.....	کارگاه جهان ۱۸۴۰.....	۷
۴۴۸.....	صنعتی‌سازی اروپا: ۱۸۵۰.....	۸
۴۵۰.....	گسترش قوانین فرانسه.....	۹

پیش‌گفتار

این کتاب دگرگونی جهان را در فاصله‌ی سال ۱۷۸۹ و ۱۸۴۸ پی می‌گیرد اما تا جایی که سبب‌ساز آن انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و هم‌زمان با آن انقلاب صنعتی (انگلستان) باشد که آن‌ها را انقلاب دوگانه می‌خوانیم. پس این کتاب نه دقیقاً تاریخ اروپا است نه تاریخ جهان. تا آن‌جا که کشوری از پیامدهای انقلاب دوگانه در این دوره متأثر شده باشد کوشیده‌ام هرچند اغلب به‌اجمال بدان اشاره کنم. چنان‌چه تأثیر انقلاب بر کشوری در این دوره جزئی بوده است آن را از قلم انداخته‌ام. بدین ترتیب خواننده در این کتاب نکاتی را درباره‌ی مصر می‌یابد اما درباره‌ی ژاپن نه؛ درباره‌ی ایرلند بیش از بلغارستان و درباره‌ی آمریکای لاتین بیش از آفریقا. طبعاً این بدان معنا نیست که تاریخ کشورها و مردمانی که در این کتاب نادیده گرفته شده‌اند از آن‌هایی که ذکرشان رفته است جذابیت یا اهمیتی کم‌تر دارد. اگر دیدگاه کتاب عمدتاً اروپایی یا به‌عبارت دقیق‌تر فرانسوی-بریتانیایی است علت آن است که جهان - یا دست‌کم بخش اعظم آن - در این دوره از تاریخ بر مبنای اروپایی یا بهتر بگوییم بر مبنای فرانسوی-بریتانیایی دگرگون شد. با این حال برخی از مباحث که به‌حق سزاوار بررسی مفصل‌تری بودند نیز کنار گذاشته شده‌اند نه فقط به‌سبب کمبود جا بلکه چون (مانند تاریخ ایالات متحده‌ی آمریکا) در مجلدات دیگر این مجموعه به تفصیل بدان‌ها پرداخته شده است.

هدف این کتاب روایت تفصیلی وقایع نیست بلکه تفسیر یا به‌قول فرانسوی‌ها عوام‌فهم کردن سطح بالا^۱ است. خواننده‌ی ایده‌آل این کتاب عبارت است از آن برساخته‌ی نظری یعنی شهروند هوشمند و فرهیخته‌ای که نه فقط در مورد گذشته کنجکاو است بلکه می‌خواهد بفهمد چگونه و چرا جهان به شکل امروزی درآمده و به کجا می‌رود. بنابراین سنگین کردن متن با مطالب تخصصی که باید به کار افراد فرهیخته‌تر بیاید فضل‌فروشانه و نامطلوب است. از همین رو یادداشت‌های من تقریباً به‌طور کامل اشاره دارد به منابعی چون نقل‌قول‌ها و آمار و ارقام واقعی یا در مواردی به مرجعیت اظهاراتی که مشخصاً مورد مناقشه یا مایه‌ی تعجب است.

با این حال فقط بجا است سخنی گفته شود درباره‌ی مواد و مصالحی که کتابی بسیار

پردامنه مانند این کتاب بر آن استوار شده است. همه‌ی تاریخ‌نگاران در برخی از حوزه‌ها خیره‌تر (یا به عبارت دیگر جاهل‌تر) از حوزه‌هایی دیگرند. آن‌ها خارج از حیطه‌ای تنگ ناگزیرند عمدتاً به کار مورخان دیگر تکیه کنند. برای دوره‌ی ۱۷۸۹ تا ۱۸۴۸ این متون فرعی به تنهایی توده‌ای چنان گسترده از مطالب چاپی را تشکیل می‌دهند که از دانش هر فردی فراتر است حتا کسی که قادر به خواندن به همه‌ی زبان‌هایی باشد که این متون در آن‌ها نوشته شده‌اند. (درواقع بدیهی است که تسلط همه‌ی مورخان حداکثر محدود به چند زبان است). بنابراین بخش عمده‌ی این کتاب دست‌دوم یا حتا دست‌سوم است و لاجرم حاوی خطاها و نیز اختصارهایی اجتناب‌ناپذیر که فرد متخصص بر آن‌ها افسوس خواهد خورد چنان‌که نگارنده افسوس می‌خورد.

گرچه شبکه‌ی تاریخ را نمی‌توان بدون ضایع کردن آن شکافت و رشته‌شده کرد اما تقسیم کردن موضوع به قسمت‌های فرعی تاحدودی برای مقاصد عملی کتاب ضروری است. کوشیده‌ام کتاب را به گونه‌ای بسیار سردستی به دو بخش تقسیم کنم. در پاره‌ی اول به‌طور کلی تحولات عمده‌ی دوره را بررسی می‌کنم و در پاره‌ی دوم به ترسیم آن نوع جامعه‌ای می‌پردازم که مولود انقلاب دوگانه است. باین حال همپوشانی‌هایی عمدی وجود دارد و این تمایز نه امری نظری بلکه صرفاً برای سهولت کار است.

باید تشکر کنم از افراد گوناگونی که درباره‌ی جنبه‌های مختلف این کتاب با آن‌ها بحث کرده‌ام یا فصولی را به شکل پیش‌نویس یا نمونه‌ی چاپی خوانده‌اند و باین حال مسئول خطاهای من نیستند؛ خصوصاً از ج. د. برنال، داگلاس دیکن، ارنست فیشر، فرانسیس هسکل، ه. گ. کونینگسبرگر و ر. ف. لسل. فصل ۱۴ خصوصاً بسیار مرهون آرای ارنست فیشر است. خانم پ. رالف درمقام منشی و دستیار پژوهش کمک شایانی به من کرد و استخراج نمایه نیز کار خانم ا. میسون بود.

اریک جان هابسبام

لندن، دسامبر ۱۹۶۱

مقدمه

کلمات گواه‌هایی‌اند غالباً گویاتر از اسناد. چند کلمه‌ی انگلیسی را ملاحظه کنیم که اساساً در دوره‌ی شصت‌ساله‌ی مورد بررسی این کتاب ابداع شدند یا معانی مدرن‌شان را یافتند. این کلمات از جمله عبارت‌اند از «صنعت»، «صاحب‌صنعت»، «کارخانه»، «طبقه‌ی متوسط»، «طبقه‌ی کارگر»، «سرمایه‌داری» و «سوسیالیسم». نیز چنین است «اشراف‌سالاری»، «خط‌آهن»، دو اصطلاح سیاسی «لیبرال» و «محافظه‌کار»، «ملیت»، «دانشمند» و «مهندس»، «پرولتاریا» و «بحران» (اقتصادی). کلمات «فایده‌باور» و «آمار»، «جامعه‌شناسی» و چندین و چند نام دیگر برای علوم مدرن، «روزنامه‌نگاری» و «ایدئولوژی» نیز جملگی نواژه‌ها یا اقتباس‌های این دوره‌اند.^۱ «اعتصاب» و «فقر» هم از جمله‌ی همین کلمات‌اند.

برای پی‌بردن به عمق انقلابی که در فاصله‌ی ۱۷۸۹ تا ۱۸۴۸ رخ داد و بزرگ‌ترین دگرگونی تاریخ بشر از گذشته‌های دور یعنی از زمان ابداع کشاورزی و فلزشناسی و نوشتار و شهر و دولت است باید جهان مدرن را بدون این کلمات تصور کرد (یعنی بدون چیزها و مفاهیمی که این کلمات برای‌شان نامی فراهم می‌آورند). این انقلاب تمام جهان را دگرگون کرده و هنوز هم دگرگون می‌کند. ولی در بررسی این انقلاب باید تمایزی دقیق قائل شویم میان نتایج درازمدتش که به هیچ‌گونه چارچوب اجتماعی یا سازمان سیاسی یا توزیع قدرت و منابع بین‌المللی محدود نمی‌شود و مرحله‌ی ابتدایی و سرنوشت‌سازش که با یک موقعیت خاص اجتماعی و بین‌المللی پیوند تنگاتنگ دارد. انقلاب بزرگ ۱۷۸۹-۱۸۴۸ پیروزی «صنعت» به معنای دقیق کلمه نبود بلکه پیروزی صنعت سرمایه‌دارانه بود؛ پیروزی آزادی و برابری به‌طور کلی نبود بلکه پیروزی طبقه‌ی متوسط یا جامعه‌ی لیبرال «بورژوازی» بود؛ پیروزی «اقتصاد جدید» یا «دولت جدید» نبود بلکه پیروزی اقتصادها و دولت‌های منطقه‌ی جغرافیایی خاصی از جهان (بخشی از اروپا و چند تکه از آمریکای شمالی) بود که مرکزش دولت‌های همسایه و رقیب بریتانیای کبیر و

۱. اکثر این کلمات یا رواج بین‌المللی دارند یا تقریباً تحت‌اللفظی به زبان‌های گوناگون ترجمه شده‌اند. لذا «سوسیالیسم» یا «روزنامه‌نگاری» تقریباً بین‌المللی است حال آن‌که ترکیب «راه‌آهن» (iron road) مبنای نام خطوط آهن در همه‌جا مگر در کشور اصلی آن است.

فرانسه بودند. دگرگونی ۱۷۸۹-۱۸۴۸ اساساً خیزشی دوقلو است که در دو کشور مذکور حادث شد و از آن جا در سراسر جهان انتشار یافت.

ولی غیرمنطقی نیست که این انقلاب دوگانه — انقلاب بالنسبه سیاسی تر فرانسه و انقلاب صنعتی (بریتانیا) — را نه چندان متعلق به تاریخ این دو کشور که حاملان و نمادهای اصلی آن بوده اند بلکه دهانه‌ی دوقلوی یک آتشفشان نسبتاً بزرگ‌تر در منطقه تلقی کنیم. این که باید فوران‌هایی هم‌زمان در فرانسه و بریتانیا رخ دهد و خصلت‌شان اندکی متفاوت باشد نه تصادفی است نه بی‌اهمیت. ولی از دیدگاه مورخ مثلاً سال ۳۰۰۰ میلادی همچنان که از دیدگاه ناظر چینی یا آفریقایی باید خاطرنشان کرد فوران‌های مذکور در منطقه‌ای در شمال غربی اروپا و در امتدادهای برون مرزی آن منطقه اتفاق افتاد و به هیچ وجه نمی‌شد انتظار داشت این فوران‌ها در برهه‌ی مذکور در جایی دیگر از جهان رخ دهند. به همین اندازه نیز باید خاطرنشان کرد برای این فوران‌ها در این دوره تقریباً هیچ شکل دیگری مگر پیروزی سرمایه‌داری لیبرال بورژوازی متصور نیست.

واضح است که دگرگونی چنین ژرفی را نمی‌توان درک کرد مگر آن که به مدت‌ها پیش از ۱۷۸۹ یا حتی دهه‌ها پیش از این سال مراجعه کنیم و تأملی کنیم دقیق (و دست‌کم بازنگرانه) بر بحران رژیم‌های قدیم در شمال غرب جهان یعنی رژیم‌هایی که با انقلاب دوگانه به نابودی کشیده شدند. چه انقلاب ۱۷۷۶ آمریکا را فورانی به اهمیت انقلاب‌های انگلیس و فرانسه تلقی کنیم یا صرفاً آن را مهم‌ترین مقدمه و محرک این انقلاب‌ها بدانیم و چه اهمیتی بنیادین برای بحران‌های اساسی و جابه‌جایی‌های حرکت‌های اقتصادی ۱۷۶۰-۱۷۸۹ قائل باشیم یا نباشیم در هر حال موارد مذکور حداکثر ممکن است موقعیت و زمان این تحول بزرگ را به وضوح بیان کنند نه علل اساسی آن را. برای مقاصد ما مهم نیست که تحلیلگر باید تا چه حد در تاریخ به عقب برود — چه تا انقلاب انگلیس در نیمه‌ی قرن هفدهم یا تا جنبش اصلاح دین و آغاز تسخیر نظامی جهان به دست اروپا و استثمار استعماری در اوایل قرن شانزدهم یا حتی تا پیش از آن — زیرا چنین تحلیل عمیقی ما را از مرزهای زمانی کتاب حاضر فراتر می‌برد.

این جا صرفاً باید توجه کنیم که نیروهای اجتماعی و اقتصادی و ابزارهای سیاسی و فکری این دگرگونی در هر حال در بخشی قابل ملاحظه از اروپا فراهم آمده بود و این برای انقلابی کردن بقیه کافی بود. مسئله‌ی ما نه ردگیری ظهور یک بازار جهانی است نه ردگیری ظهور یک طبقه‌ی به اندازه‌ی کافی فعال از سرمایه‌گذاران خصوصی و نه حتی (در انگلستان) ردگیری ظهور یک دولت پاییند به این طرح که اساس خط‌مشی حکومتش به حداکثر رسیدن سود شخصی و خصوصی باشد. همچنین مسئله‌ی ما ردگیری تحول

تکنولوژی یا ردگیری دانش علمی یا ردگیری ایدئولوژی پیشرفت‌باوری در قالبی فردمحورانه و سکولار و عقل‌محورانه نیست. تا دهه‌ی ۱۷۸۰ می‌توانیم وجود همه‌ی این موارد را بدیهی بینگاریم هرچند نمی‌توانیم هم فرض کنیم که به‌اندازه‌ی کافی نیرومند یا شایع بوده‌اند. اما درهرحال باید از این وسوسه دوری کنیم که بداعت و تازگی انقلاب دوگانه را به‌سبب آشنابودن ظاهرش نادیده بگیریم یا از این واقعیت انکارناپذیر غافل شویم که لباس و رفتار و نثر روبسپیر و سن‌ژوست در اتاق‌های پذیرایی رژیم قدیم ناجور و نابجا نبوده است و جرمی بنتام که ایده‌های اصلاح‌گرانه‌اش نمود بریتانیای بورژوایی دهه‌ی ۱۸۳۰ بود دقیقاً کسی بود که همان ایده‌ها را به کاترین کبیر ملکه‌ی روسیه پیشنهاد کرده بود و افراطی‌ترین احکام اقتصاد سیاسی طبقه‌ی متوسط را اعضای مجلس اعیان بریتانیا در قرن هجدهم صادر کردند.

بدین ترتیب مسئله‌ی ما تبیین وجود این عناصر اقتصاد و جامعه‌ای جدید نیست بلکه تبیین تفوق آن‌ها است؛ مسئله‌ی ما ردگیری سیر نقب و حفر تدریجی این عناصر در قرون گذشته نیست بلکه تفوق سرنوشت‌ساز آن‌ها بر دژ و پایگاه است. همچنین مسئله‌ی ما عبارت است از ردگیری تغییرات عمیق ناشی از این تفوق ناگهانی در کشورهایی که بلافاصله از آن متأثر شدند و همچنین ردگیری تغییرات عمیق ناشی از این تفوق در بقیه‌ی جهان که در این زمان در معرض تأثیر کاملاً بحران‌زای نیروهای جدید یا «بورژوازی فاتح» (که عنوان یکی از تواریخ جدید جهان در این دوره است) قرار گرفته بود.

لاجرم از آن‌جا که انقلاب دوگانه در یک بخش از اروپا رخ داد و آشکارترین و فوری‌ترین پیامدهایش در آن‌جا از همه‌جا روشن‌تر بود بنابراین تاریخی که این مجلد بدان پرداخته است تاریخی عمدتاً منطقه‌ای است. همچنین لاجرم از آن‌جا که انقلاب جهانی از دهانه‌ی دوگانه‌ی انگلستان و فرانسه به بیرون پخش شد بدواً شکل یک توسعه‌ی اروپایی در بقیه‌ی جهان و فتح بقیه‌ی جهان را به خود گرفت. درواقع مشهودترین پیامد آن برای تاریخ جهان برقراری سلطه‌ی چند رژیم غربی (و خصوصاً انگلستان) بر جهان بود که در تاریخ بی‌همتا است. تمدن‌ها و امپراتوری‌های دیرینه در برابر تجار و موتورهای بخار و کشتی‌ها و سلاح‌های غرب — و در برابر ایده‌های غرب — تسلیم شدند و فروریختند. هند به ایالتی تحت اداره‌ی فرمانداران بریتانیایی بدل شد، دولت‌های اسلامی از بحران به رعشه افتادند و آفریقا در معرض تسخیر مستقیم قرار گرفت. حتا امپراتوری عظیم چین مجبور شد در ۱۸۳۹-۱۸۴۲ مرزهایش را به‌روی استثمار غربی بگشاید. در ۱۸۴۸ بر سر راه تفوق غرب بر هر سرزمینی که حکومت‌ها یا کاسبکاران غربی اشغالش را به‌نفع خود می‌دیدند هیچ مانعی وجود نداشت درست

همان‌طور که هیچ مانعی جز زمان جلودار پیشرفت کاروبار سرمایه‌داری غربی نبود. با این حال تاریخ انقلاب دوگانه صرفاً تاریخ پیروزی جامعه‌ی بورژوازی جدید نیست. این تاریخ همچنین تاریخ پیدایش نیروهای است که ظرف یک قرن پس از ۱۸۴۸ انبساط را به انقباض تبدیل می‌کنند. به علاوه تا همان ۱۸۴۸ این بخت‌برگشتگی خارق‌العاده‌ی آینده تاحدودی نمایان بود. مسلماً طغیان جهانی علیه غرب که میانه‌ی قرن بیستم را فراگرفته است در آن زمان چندان قابل تشخیص نبود. فقط در جهان اسلام می‌توانیم نخستین مراحل روندی را مشاهده کنیم که به موجب آن مغلوبان غرب از ایده‌ها و فنون غرب برای به دست گرفتن ابتکار عمل بهره گرفته‌اند یعنی در ابتدای اصلاحات غربی داخلی در امپراتوری عثمانی در دهه‌ی ۱۸۳۰ و خصوصاً در دوره‌ی مغفول و مهم پاشای مصر محمدعلی. ولی در اروپا نیروها و ایده‌هایی پیشاپیش در حال ظهور بودند که توقف جامعه‌ی جدید و پیروز را متصور می‌شدند. «شیخ کمونیسم» تا ۱۸۴۸ بر اروپا سایه افکنده بود. این شیخ در ۱۸۴۸ دفع و رانده شد و با این حال برای مدتی دراز پس از آن به همان اندازه‌ی شیخ‌ها ضعیف و کم‌جان باقی ماند خصوصاً در جهان غرب که بلافاصله با انقلاب دوگانه متحول شده بود. ولی اگر به جهان در دهه‌ی ۱۹۶۰ نظر بیفکنیم نمی‌توانیم نیروی تاریخی ایدئولوژی انقلابی سوسیالیسم و کمونیسمی را دست‌کم بگیریم که در واکنش به انقلاب دوگانه زاده شده و در ۱۸۴۸ نخستین صورت‌بندی کلاسیک خود را یافته بود. دوره‌ای تاریخی که با ساخت نخستین نظام کارخانه‌ای جهان مدرن در لنکشر و انقلاب ۱۷۸۹ در فرانسه آغاز می‌شود با بنای نخستین شبکه‌ی راه‌آهن جهان مدرن و انتشار *مانیفست کمونیسم* پایان می‌یابد.